

پیوند نیروی نظامی و سرمایه اجتماعی در دفاع مقدس (مطالعه موردی: عملیات خوارزم)

محمد ابوالفتحی^۱، سجاد رستمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

چکیده:

تاریخ دفاع مقدس سرشار از پویایتهای اجتماعی و تکاپوهای مردمی است که در بزنگاهها و گلوگاههای مختلف، فرجام مطلوبی را در جنگ تحمیلی برای نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. بر این اساس، تنها با نگاهی تاریخی - نظامی نمی‌توان بر مطالعات جنگ ایران و عراق متمرکز شد، بلکه باید از چشم‌انداز اجتماعی، زوایای گوناگون آن را بررسی کرد. بدین ترتیب، هدف مقاله آن است که با بررسی عملیات خوارزم در چهارچوبی تاریخی - اجتماعی، نقش پیوند سرمایه اجتماعی و نیروهای نظامی در بازپس‌گیری ارتفاعات میمک، واکاوی و تحلیل شود. این پرسش در ارتباط با موضوع پژوهش مطرح می‌شود که چه عاملی در تعیین فرجام عملیات خوارزم و بازپس‌گیری ارتفاعات راهبردی میمک توسط ایران مؤثر بود؟ با تشریح داده‌های تاریخی مربوط به تصرف ارتفاعات راهبردی میمک و اجرای عملیات خوارزم، می‌توان چنین اظهار کرد که افزون بر کارویژه سازمان‌های نظامی و عملکرد نیروهای نظامی، نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد موفقیت و پیروزی ایرانیان در ارتفاعات میمک، بسیار تعیین‌کننده بود. از این رو، مهمترین عامل در تعیین فرجام مطلوب برای ایرانیان پیوند مثبت میان نیروهای نظامی و عوامل اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، در عملیات خوارزم است.

واژگان اصلی: دفاع مقدس، عملیات خوارزم، سرمایه اجتماعی، نیروی نظامی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

mabolfathi@razi.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

یکی از عملیات‌ها و رویدادهای بزرگ دوران دفاع مقدس که در مقایسه با سایر عملیات‌ها به فراموشی سپرده شده و کمتر به آن پرداخته‌اند، عملیات «خوارزم» یا «ضربت ذوالفقار» است. این عملیات که در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹، اجرا گردید، در نوع خود اولین تجربه و اقدام مشترک نیروهای نظامی و گروه‌های مردمی با هدف بازپس‌گیری ارتفاعات میمک بود. ارتفاعات یاد شده، به خاطر کنترل و اشراف بر دشت‌های مرزی و هموار عراق از موقعیتی سوق‌الجیشی برخوردار است؛ چرا که تسلط قابل‌توجهی بر بخش‌های وسیعی از خاک عراق و مناطق مرزی پیرامون آن دارد. تاریخ تصرف ارتفاعات میمک به دوازده روز پیش از آغاز رسمی جنگ تحمیلی، در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۹، برمی‌گردد. در این تاریخ، دولت عراق یادداشتی به کاردار سفارت ایران در بغداد ارائه داد و در پی آن، به بلندی‌های میمک در استان ایلام حمله کرد که با تهاجم عراقی‌ها، این منطقه مورد اشغال آنان قرار گرفت (رستمی، ۱۴۰۱: ۵۳). از تاریخ تصرف ارتفاعات میمک تا زمان اجرای عملیات خوارزم، نیروهای نظامی و گروه‌های مردمی با نمایش فداکاری‌ها، جان-فشانی‌ها، وحدت و یک‌دلی در میدان جنگ، حماسه‌های درخشانی را در این برهه از تاریخ دفاع مقدس آفریدند. در این عملیات، رزمندگان ایرانی ضمن انهدام بخش‌های عمده‌ای از امکانات دشمن، کلیه مناطق اشغال‌شده را از عراقی‌ها بازستاندند و پرچم ایران را بر فراز بلندی‌های میمک به اهتزاز در آوردند.

در بررسی زمینه‌های تاریخی و مجموعه اقدامات ایرانیان به‌منظور بازپس‌گیری میمک، در کنار مؤلفه «عنصر نظامی»، باید به شاخص «سرمایه اجتماعی» نیز توجه کرد. در واقع موفقیت در این عملیات، بدون وجود حمایت‌های مردمی امکان‌پذیر نبود و بنابراین، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در منطقه عملیاتی بود که با ایجاد «موج انسانی»، افراد را به حول محورهای دین، ملیت و سرزمین گرد هم آورد تا با مشارکت در خط مقدم جنگ، عملیات بزرگی به کمک نیروهای نظامی اجرا شود. با توجه به نکاتی که ذکر شد، پیوند میان گروه‌های اجتماعی و نیروهای نظامی در صحنه نبرد می‌تواند اصل اساسی در سطح تعیین‌کنندگی عملیات‌ها باشد و این موضوع در مورد عملیات خوارزم نیز صادق است؛ به‌گونه‌ای که در این عملیات ایستادگی عشایر، به‌عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی، در کنار مقاومت نیروهای نظامی به ثمر نشست و سرانجام با مشارکت و همکاری آنها مناطق تصرف‌شده به سود ایران تثبیت گردید که این مسئله بی‌انگیز اهمیت تبیین اجتماعی در

خصوص فعالیت سازمان‌های نظامی در دوره جنگ است.

درباره عملیات‌های اجرا شده در دوران دفاع مقدس تألیف‌های متعددی انجام شده است که در همین راستا، بعضی از مراکز مانند بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، کنگره‌های بزرگداشت سرداران و رزمندگان دفاع مقدس، بنیاد شهید انقلاب اسلامی و ستاد امور آزادگان به انتشار خاطرات، دست‌نوشته‌ها، وصیت‌نامه‌ها و زندگی‌نامه‌های رزمندگان ایرانی دست زده‌اند. پژوهش حاضر در تلاش بوده است با رویکردی نوین به یکی از موضوع‌های مهم در تاریخ جنگ تحمیلی، یعنی رویداد میمک، بپردازد و کمبود تحقیقات لازم در ارتباط با عملیات خوارزم را به‌عنوان اولین عملیات بزرگ و پیروزی‌آفرین رزمندگان ایرانی در جنگ تحمیلی، برطرف نماید. ضرورت انجام پژوهش زمانی احساس خواهد شد که مشخص شود این عملیات در سطح ملی کمتر معرفی شده و حتی تا به حال یک اثر پژوهشی در این زمینه انجام نشده است. با وجود این، درباره موضوع تحقیق، آثاری در قالب کتاب و مقاله به نگارش درآمده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب‌های بر فراز میمک از احمد کروندی (۱۳۷۲)، حماسه میمک از حمید بساطی (۱۳۷۸)، نبرد میمک: مجموعه‌ای از خاطرات رزمندگان از احمد حسن نیا (۱۳۸۱)، شمشیر پیروزی از سورنا کیانی (۱۳۸۵)، میمک (۱۳۸۵)، بازی قرمز؛ روایت میمک از جعفر شیرعلی نیا، پرنده آسمان میمک از حمید نوایی لواسانی (۱۳۸۶) و بازی قرمز: روایت میمک محمدجواد اکبرپور (۱۳۹۰) اشاره کرد. کتاب‌ها و آثار ذکر شده، به‌رغم داده‌ها و اطلاعات ارزشمندی که در متن آنها وجود دارد، اما اغلب به سبک داستان‌نویسی و خاطره‌نگاری نگاشته شده‌اند و یا اینکه بیشتر جنبه توصیفی و کمتر جنبه تحلیلی دارند؛ بدین معنا که تنها به ارائه آمار و توصیف اطلاعاتی در مورد عملیات اکتفا کرده‌اند. نوشتار حاضر با بررسی موضوع در چارچوبی تاریخی - اجتماعی، به زمینه‌های تسخیر بلندی‌های میمک و متغیرهای مؤثر در فرجام عملیات خوارزم می‌پردازد. در همین راستا، ضمن توجه به ابعاد نظامی در بیان تاریخ عملیات، به عوامل اجتماعی آن نیز پرداخته است؛ مسئله‌ای که باید گفت تاکنون روی آن بحث نشده و به عبارتی، میزان اثربخشی عوامل اجتماعی در این عملیات مورد بررسی قرار نگرفته است. بدین ترتیب، هدف اصلی این جستار، شناخت عوامل مؤثر در پیروزی عملیات می - باشد تا از همین زوایا، علل و دستاوردهای آن مورد توجه واقع شود.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و به شکل مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در ضمن پژوهش مورد نیاز بوده‌اند، عمدتاً در چارچوب گرایش‌هایی نظیر جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی نظامی هستند و لذا از همین مبانی نظری، تهیه مواد و گردآوری اطلاعات لازم انجام شده که در اصل به سبب داشتن این ویژگی، رویکرد پژوهشی این مقاله نسبت به آثار پیشین خود، کاملاً مستقل است.

چارچوب نظری

مفهوم سرمایه اجتماعی که یکی از جدیدترین و مهم‌ترین موضوع‌های مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی است، در حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی و علوم ارتباطات کاربرد نظری دارد. سرمایه اجتماعی، در کنار اصطلاحاتی چون دموکراسی و جامعه مدنی از اصطلاحات پرکاربرد در ادبیات علوم اجتماعی اواخر قرن بیستم به شمار می‌روند. این مفهوم برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ توسط جامعه‌شناس فرانسوی پیر بوردیو مورد استفاده قرار گرفت، اما جیمز کلنن در سال ۱۹۹۰ در کتاب «بنیادهای تئوری اجتماعی» از آن در سطح بسیار وسیع‌تری استفاده کرد و این مفهوم را در رابطه با مسئله توسعه به کار برد. البته ریشه این مفهوم بسیار قدیمی است و به دوره جامعه‌شناسی اقتصادی بر می‌گردد (اخوان کاظمی و عزیزیان، ۱۳۹۶: ۲۰). ماکس وبر نیز به شکل غیرمستقیم از اصطلاح سرمایه اجتماعی استفاده کرد و در همین راستا، ایده شبکه‌های اجتماعی را به عنوان ابزاری برای شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینی و اقتصادی به کار برد که باعث رونق و توسعه اقتصادی در یک منطقه خاص می‌باشند (Triglia, 2001: 427-442).

سرمایه اجتماعی دارایی یک فرد و یا افراد محسوب نمی‌شود، بلکه از طریق الگوهای ساختاری تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید و اثرات آن برای افراد باید نسبت به این الگوهای ساختاری ارزیابی شود. از این رو، وجود سرمایه اجتماعی باعث درگیر شدن بیشتر افراد جامعه با مسائل سیاسی می‌شود و منجر به مشارکت وسیع افراد در فرایندهای دموکراتیک جامعه و مسایل اجتماعی و سیاسی خواهد شد (Due lake And Huckfeldt, 1998. 567-584). این مفهوم از ارزش‌های غیر رسمی حاصل از تعاملات اجتماعی هم‌چون اعتماد، مشارکت، صداقت،

1. Social capital

2. Pierre Bourdieu

3. James Samuel Coleman

4. Max Weber

قانون‌مندی، نوع دوستی، میهن پرستی و دیگر سجایای انسانی است که تسهیل کننده مشارکت انسان‌ها در جامعه و همچنین تولید کننده دیگر شکل‌های سرمایه می‌باشد (توسکی، ۱۳۸۴: ۱۴). به‌طور کلی، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی را می‌توان برای سرمایه اجتماعی برشمرد که از میان آنها دو مبحث «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی» بیشتر مورد تأکید است:

الف) اعتماد اجتماعی: جرج زیمل اعتماد را معادل ایمان بکار می‌برد و به اعتقاد وی نوعی ایمان و اعتقاد به افراد جامعه است. در کارهای فردیناند تونیس در جوامع سنتی یا «گمینشافت»^۱ اعتماد مانند احترام و حس تعلق شخصی، فضیلتی برای افراد است، در حالی که در جوامع «گزلشافت»^۲ اعتماد غیر شخصی و رسمی است. تالکوت پارسونز عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم را اعتماد می‌نامد. به عقیده وی اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند (زین آبادی، ۱۳۸۷: ۱۲).

ب) مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی را می‌توان یکی دیگر از مولفه‌های مهم سرمایه اجتماعی دانست. مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل‌دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مشارکت اجتماعی، حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ حوزه‌هایی که عبارت‌اند از عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها، تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های علمی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، محلی، منطقه‌ای و ملی، ستادهای بازتابی و کوتاه مدت امدادی، احساس مسئولیت در قبال هم‌نوعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنها، حضور در جبهه‌های جنگ، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس اعیاد ملی- مذهبی است.

سرمایه اجتماعی، انباشت منابع بالقوه و بالفعل است که مربوط به داشتن شبکه‌های نسبتاً پایدار از روابط کم‌وبیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل است، یا به عبارت دیگر عضویت در

1. Social trust

2. Social participation

3. Georg Simmel

4. Gemeinschaft

5. Gesellschaft

6. Talcott Parsons

یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت سرمایه جمعی، صلاحیتی را فراهم می‌کند که آنان را مستحق اعتبار به معانی مختلف می‌کند (Bourdieu, 1997: 51). به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی خصلت جمعی دارد و به عنوان دارایی و حقوق گروهی جوامع تعریف می‌شود و در برگیرنده هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است که اعضای گروه و شبکه‌های اجتماعی از طریق تعاون میان‌شان مجاز به سهم شدن در آنند و به هر میزان به این ارزش‌های مشترک پایبندتر باشند و از منافع شخصی چشم‌پوشی کنند، منجر به دستیابی به هدف مشترک و همچنین شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و خیر همگانی می‌شود (اخوان کاظمی و عزیزیان، ۱۳۹۶: ۳۳).

پیشینه تاریخی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های مخالف حکومت، فعالیت‌های برهم زننده و تبلیغات مخرب خود را شدت دادند و به دنبال آن، به ناامن کردن راه‌های ارتباطی کشور و به‌ویژه در مناطق مرزی مبادرت کردند. بر همین مبنا، صدام حسین با تأکید بر بعضی از عوامل سیاسی همانند ناسیونالیسم، جاه‌طلبی‌های سیاسی (تبدیل شدن به قدرت برتر در خاورمیانه) و هراس از تأثیرپذیری جامعه عراق از پیام‌های جهان‌شمول انقلاب اسلامی ایران، اجرای راهبردی جنگی را مهم‌ترین روش برای نیل به بلندپروازی‌ها و رفع نگرانی‌های سیاسی خود تلقی می‌کرد. این احساس نگرانی ناشی از بافت مذهبی مردم عراق بود که بیشتر آنان به انقلاب اسلامی ایران گرایش داشتند. از طرفی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران که تمام مسلمانان را به وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند، تداوم آن برای حزب بعث قابل تحمل نبود؛ چرا که با ظهور این تفکر در دنیای اسلام، با رقیبی قدرتمند مواجه می‌شد که برنامه اتحاد کشورهای عرب یا تشکیل یک کشور واحد عربی را دستخوش تغییر می‌کرد. علاوه بر طرح ابعاد معنوی و دینی، برانگیختن احساسات ضد ایرانی رکن اصلی و بخش جدایی‌ناپذیری از هویت سیاسی دولت عراق را شکل می‌داد. در همین راستا، ایدئولوژی حزب بعث به‌عنوان رقیب فکری انقلاب اسلامی ایران در منطقه، ادعای دفاع از ملت عرب را با ابتدای بر شعار «امّه عربیه واحده ذات رساله خالده» مطرح کرد. از این نظر، اعراب به دلیل دارا بودن فرهنگی واحد می‌بایست مرزهای سیاسی میان خود را حذف کنند و

۱- یک ملت عرب با یک مأموریت جاودانه.

ملت واحدی را تشکیل دهند (کسرای و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۰۶؛ پارسادوست، ۱۳۶۹: ۵۵).

از نظر سیاسی، رژیم عراق منتظر فرصتی مناسب برای لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی، بود که به گمان سیاستمداران آن، تحولات و رخداد‌های ناشی از انقلاب ایران این موقعیت را برای آنان فراهم آورده است. در این هنگام، رژیم بعثی به بهانه تعلل دولت جمهوری اسلامی ایران در امر تحویل مناطق ذکر شده در موافقت‌نامه‌های مندرج در عهدنامه، با اجرای عملیاتی نظامی مبادرت به اشغال این مناطق کرد. در طرف مقابل، دولت ایران از سال ۱۳۵۸ مجموعه اقداماتی (ارسال یادداشت‌های رسمی و نقشه‌ها جهت درج اسامی دهات و عوارض طبیعی و مصنوعی دو کشور) را با هدف کاهش سطح تنش با عراق به کار گرفت. با این حال، کشور مزبور به پیشنهادهای دیپلماتیک و طرح درخواست سیاسی ایران پاسخ‌های نظامی داد و بارها به ارتفاعات میمک حمله کرد. دولت جمهوری اسلامی در واکنش به این اقدام خصمانه به نیروی زمینی ارتش دستور داد که گروه رمزی اعزام‌شده به صالح‌آباد هرچه زودتر به منطقه مرزی حرکت کند و با تقویت پاسگاه‌های مرزی، بیگانگان را از منطقه اشغالی میمک عقب براند. در همین حال، دامنه فشار نیروهای عراقی به منطقه مرزی سومار نیز کشیده شد و در نتیجه تمام منطقه مرزی غرب استان ایلام مورد تهدید جدی نیروهای دشمن قرار گرفت. بدین ترتیب، نیمه اول سال ۱۳۵۹ را باید دوره بسترسازی عراق برای آغاز تهاجم به خاک ایران دانست؛ زیرا رژیم بعثی در این تاریخ اقداماتی همچون آماده‌سازی ارتش، تلاش در راستای جلب رضایت افکار عمومی و همچنین دریافت حمایت‌های منطقه‌ای و جهانی را به منظور حمله به ایران انجام داد. در این مقطع، صدام حسین برای کسب پشتیبانی کشورهای منطقه و همچنین توجیه آنها درخصوص اجرای یک تصمیم جنگی، تحرکات دیپلماتیک را آغاز کرد. در پی فعالیت‌های دیپلماسی و تبلیغاتی عراق در مقیاس منطقه‌ای و در سطح سازمان‌های بین‌المللی، سران این کشور پس از تسلیم یادداشت‌ها به کاردار سفارت ایران در بغداد، دستور حمله به مناطق زینل‌کش و میمک را صادر کردند و این مناطق را یکی پس از دیگری به اشغال خود درآوردند. سکوت مجامع بین‌المللی پس از این اقدامات و همچنین نبردن شکایت ایران به سازمان ملل متحد و شورای امنیت، به عراق این اطمینان خاطر را داد که در صورت آغاز جنگ و هجوم همه‌جانبه به مرزهای ایران، هیچ یک از قدرت‌های بزرگ و دولت‌های منطقه از نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت نخواهند کرد (بهروزی، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

با وجود یورش‌های مرزی ارتش عراق در اواسط شهریور ماه ۱۳۵۹، در اواخر همین ماه صدام

حسین مدعی شد اقداماتی را در راستای تحویل ارتفاعات میمک به ایران انجام داده است؛ به این معنا که چند روز پس از تصرف این ناحیه جغرافیایی، خروج نیروهایش را از ارتفاعات میمک اعلام می- نماید. به رغم اعلام خروج نظامیان عراقی از ارتفاعات میمک توسط رسانه‌های بعثی، با وجود این، تهاجم گسترده‌ای توسط چندین لشکر عراق در منطقه‌ای به طول ۵۵۰ کیلومتر به خاک ایران آغاز شد که در مدت کمی شهرهای خرمشهر، سوسنگرد، بستان، مهران، دهلران، قصر شیرین، هویزه، نفت شهر، سومار و موسیان را تصرف کردند. با اشغال چند هزار کیلومتر مربع از اراضی ایران در پنج روز بعد از آغاز جنگ، آشکار شد که بهانه‌جویی‌ها و اهداف عراق فراتر از ادعاهای سرزمینی و درگیری‌های مرزی است. بدین ترتیب، ارتش عراق با ورود به حریم مرزی کشور همسایه و تصرف ارتفاعات میمک زمینه جنگی فراگیر را به وجود آورد (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵). به طور کلی، اقدام به اشغال بلندی‌های میمک تناقضی را در مواضع سیاسی دولت‌مردان عراق ایجاد نمود؛ به این صورت که از یکسو، دستگاه روابط خارجی این رژیم با استناد به متن توافق الجزایر، تأکید می‌کرد که ارتفاعات زین القوس و منطقه میمک در استان ایلام باید به آنها واگذار شود و از سوی دیگر، مسئولان این کشور معتقد بودند که قرارداد ذکرشده (به دلیل تحقق نیافتن منافع ملی) نمی‌تواند اعتبار سیاسی آنان را حفظ نماید و تنها کسب اقتدار سیاسی خود را لغو قرارداد الجزایر و شکست ایران در نبردی نظامی، می‌پنداشتند. بنابراین، عراق در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ (۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰) با فرستادن یادداشتی رسمی به سفارت ایران در بغداد، اعلامیه الجزایر و عهدنامه مربوط به مرز مشترک و حُسن همجواری و سه پروتکل و پیوست‌های آن و دیگر موافقت‌نامه‌ها و یادداشت‌های همراه با این عهدنامه را یکجانبه فسخ کرد و پنج روز پس از اعلام فسخ قرارداد، نظامیان این کشور از سراسر مرزهای مشترک به درون ایران تاختند (فرشادگهر و آصفی، ۱۳۶۸: ۱۲۰).

یافته‌ها

در سال نخست جنگ تحمیلی، اجرای موفقیت‌آمیز عملیات خوارزم بر روحیه رزمندگان سایر مناطق عملیاتی نیز آثار مثبتی بر جای گذاشت که به همین دلیل می‌توان از آن به عنوان نقطه عطفی در تاریخ دفاع مقدس یاد کرد. پیروزی نهایی در این عملیات برای نیروهای خودی زمانی صورت گرفت که آنان با وجود تمامی مشکلات و محدودیت‌های ایجاد شده، در برابر پاتک‌های سنگین دشمن پایداری کردند و همین امر موجب از بین رفتن ظن شکست‌ناپذیری ارتش عراق در ذهنیت

رزمندگان ایرانی شد. در واقع، افزایش چشمگیر روحیه نیروهای خودی و رسیدن به خودباوری در مقابل ارتش عراق از جمله دستاوردهای مهم در جریان عملیات خوارزم است که با ایجاد نوعی بازدارندگی در حفظ تمامیت ارضی و نمایش اقتدار نیروهای نظامی و شکوه سرمایه‌های اجتماعی به دولت صدام حسین، موجب تداوم عملیات‌های پیروزی‌آفرین در تمامی جبهه‌ها گردید.

بر اساس معادلات نظامی، اجرای پیروزمندانه عملیات آزادسازی میمک، اقدامی غیرمعمول و شگفت‌انگیز در تاریخ جنگ‌های کلاسیک محسوب می‌شود؛ زیرا در مقابل ارتش ایران، قوای مسلح عراق از نیروی انسانی فراوان، امکانات پیشرفته و از حمایت‌های نظامی - سیاسی قدرت‌های جهانی برخوردار گشت و به‌ویژه آنکه نظامیان این کشور با پیشروی‌های گسترده خود در جنوب و غرب ایران به روحیه مضاعفی نیز دست یافته بودند. بدین ترتیب، در بررسی عملیات خوارزم و تبیین دستاوردهای آن، فقط جنبه‌های تسلیحاتی - تجهیزاتی مورد کاوش قرار نمی‌گیرد، بلکه باید به تأثیر عوامل اجتماعی بر نحوه عملکرد عناصر عملیاتی هم توجه کرد. این عوامل مثبت از جمله یکپارچگی، شجاعت، داشتن حس مسئولیت‌پذیری در دفاع از مرزهای ملی و تعیین هدف واحد به‌منظور بیرون‌راندن نیروهای عراقی در منطقه میمک که از روحیه دشمن‌ستیزی جامعه ایرانی تأثیر پذیرفته بودند، به نقاط قوتی برای رزمندگان تبدیل شدند. در این راستا، مقاومت‌های مردمی در جبهه میمک، نشان‌دهنده نقش معادلات اجتماعی در پیشبرد عملیات‌های جنگی است؛ بدین گونه که حضور داوطلبانه آنان، توان رزمی واحدهای نظامی را در تقابل با بیگانگان افزایش می‌داد. به‌عبارتی، این نیروها ضمن تأثیرپذیری از ویژگی‌های معنوی حاکم بر خط مقدم جنگ، توانستند با ارائه نوعی از رویه‌ها و روش‌ها، جبهه‌ای واحد از گروه‌های اجتماعی را در منطقه شکل دهند که در راستای تقویت بنیه نظامی و همگامی با نیروهای مسلح به‌کار آیند.

رمز پیروزی نظام جمهوری اسلامی ایران و چیرگی استراتژی خوارزم بر بلندی‌های میمک، در پی بردن به اصل مقبولیت عمومی کارگزاران حکومتی و همچنین اعتماد اجتماعی به فرماندهان نظامی بود؛ این مسئله در همان آغاز عملیات به‌اندازه‌ای در تصرف ارتفاعات میمک تعیین‌کننده بود که در طرح و اجرای عملیات، جایگاه نیروهای مردمی و به‌ویژه عشایر از سوی دست‌اندرکاران کشوری و لشکری، نادیده گرفته نشد. بنابراین، هماهنگی ایجاد شده بین واحدهای نظامی و گروه‌های اجتماعی، به عقب‌نشینی ارتش عراق از مواضع اصلی خود در منطقه میمک منجر گردید؛ برای نمونه می‌توان به اقدامات جمعیت عشایری ایل خزل در روز دوم عملیات (۲۰ دی ماه

۱۳۵۹) اشاره کرد که با دور زدن دشمن و رخنه در مواضع نیروهای آن موفق شدند محور شمالی میمک و ارتفاع آن را به تصرف در آورند و همین عامل (شجاعت و ذکاوت نیروهای مردمی در اجرای عملیات) موجب شد عناصر نظامی ایران با ورود به منطقه عملیاتی، ارتفاعات را از کنترل دشمن خارج کنند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۳: ۶۳۶ - ۶۳۵).

همان‌گونه که گفته شد، حضور و مشارکت مردم در جبهه میمک، به طرح ارزش‌هایی همچون شهادت‌طلبی، ایثار، فداکاری، استقامت و عزت‌خواهی بر می‌گردد که در سایه باورهای دینی و یک جهان‌بینی معنوی قابل‌بیان است. به عبارت دیگر، نیروهای نظامی و عناصر اجتماعی ایران برای دستیابی به موفقیت در عرصه کارزار و دفاع، به آرمان‌ها و ایده‌های خویش رنگ تقدس می‌بخشیدند و بدین‌وسیله مستعد فداکاری و ازخودگذشتگی در راه تحقق اهداف ملی می‌شدند. اینان به خاطر اعتقاد راسخ به شهادت، آمادگی استقامت‌ورزیدن در مقابل هرگونه سختی و تنگنا را پیدا کرده بودند. از این منظر، ایمان مذهبی توأم با مولفه غیرت ملی، به صورت عامل محرکه‌ای در می‌آیند که تحت‌لوای آن شکست دادن دشمن متجاوز و قدرتمند، امکان‌پذیر خواهد شد. در همین رابطه، انقلاب اسلامی ایران با مطرح کردن شعارهایی نظیر استقلال و مبارزه با استکبار، فضایی را در میان گروه‌های اجتماعی و نیروهای نظامی پدید آورد که با آغاز جنگ، همگی در پی تحقق آن اهداف و آرمان‌ها بر می‌آمدند. در واقع، ایرانیان که انقلاب اسلامی روح تازه‌ای به کالبد آنان دمیده بود، برای حفظ ارزش‌های انقلابی و دفاع از آنها آماده بودند تا با هر نیروی خارجی به مبارزه برخیزند که نمود عینی آن، مبارزه نیروهای ایرانی در طول عملیات خوارزم، به‌منظور از میان بردن استحکامات دفاعی دشمن در ارتفاعات میمک و بیرون‌راندن‌شان از این خطه کشور، است تا علاوه بر تصاحب بخشی از سرزمین خویش، استقلال سیاسی کشور حفظ و چارچوبه مرزی میهن نیز تحکیم شود.

۱. ارتباط سازمان‌های نظامی و جامعه (پیوند مثبت نظامیان و مردم در میمک)

شواهد و قرائن مربوط به عملیات خوارزم نشانگر آن است که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با به‌دست آوردن منطقه عمومی میمک، مبتنی بر جوشش سرمایه اجتماعی و مشارکت توده‌های مردمی در جبهه بود؛ به طوری که می‌توان مهم‌ترین عامل موفقیت و پیروزی رزمندگان ایرانی را در همین مورد دانست. مقاومت مردمی در این نقطه از موقعیت جغرافیایی کشور، ضمن توقف دشمن، توانست روحیه و امیدواری را در میان نیروهای نظامی ایران به‌وجود

آورد و همچنین انگیزه مقاومتی آنان را تقویت نماید. به طور کلی، کامیابی ایران در این برهه از تاریخ جنگ، به قدری چشمگیر بود که اگر نتیجه آن به شکل دیگری رقم می خورد و عراقی ها در این عملیات پیروز می شدند، آنان همه توجه خود را صرف اشغال ایلام می کردند. با این حال، گروه های مردمی به دلیل تعلق خاطر به سرزمین خویش و همچنین به موجب برخورداری از ایمان و اعتقادات معنوی پایه پای نظامیان در جبهه حضور یافتند و در جهت تحقق هدف اصلی خویش (خروج بیگانگان از قلمرو زندگی شان و همچنین بیرون راندن آنان از مرزهای ملی) بسیار کوشیدند و از این رو باید گفت عملیات خوارزم سرآغاز پیوند میان سرمایه اجتماعی و نیروی نظامی در طی تحولات جنگ تحمیلی، محسوب می گردد.

«حسین بشیریه» یکی از اندیشمندان مطرح در حوزه جامعه شناسی سیاسی، قدرت نیروهای اجتماعی در تمام عرصه ها را به عواملی از قبیل میزان منابع مالی، سازمان دهی و انسجام درونی، سطح ارتباط با جامعه، میزان کنترل بر آرا و عقاید دیگران و میزان برخورداری از شأن و اعتبار اجتماعی می داند (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۱۹)، اما قدرت و مقاومت گروه های اجتماعی در بلندی های میمک، در حالی اثبات شد که این نیروها از امکانات مناسب بی بهره و فاقد هر نوع سازمان دهی و ساختار تشکیلاتی بودند. با این حال، ارتش عراق مهار گروه های اجتماعی همچون عشایر در میمک را به دلیل زمان و مکان نامعلوم حملاتشان، دشوار توصیف می کرد (بساطی، ۱۳۷۸: ۵). در واقع، ارتش دشمن از همین جنگ های نامنظم و ایزدایی که به وسیله نیروهای مردمی صورت می گرفتند، ضربه پذیر نشان داده شد.

۲. وابستگی سرزمینی و هویت ملی

جامعه شناسانی همچون «کینگ» و «کارش» معتقدند میزان عزم و اراده ملت به منظور حمایت از سیاست های جنگی دولت، یکی از مهم ترین عناصر قدرت ملی کشورها به شمار می آید. از دید آنان، هنگامی که بخش قابل توجهی از مردم با دولت احساس نزدیکی نکنند و حاضر نباشند در این راه از خود گذشتگی نشان بدهند، هیچ نظام سیاسی قادر نخواهد بود در زمان جنگ راهبردهای خود را پیگیری و اجرا کند (کینگ و کارش، ۱۳۸۷: ۲۱۲). در ایران به رغم تنوع قومی و مذهبی و دارا بودن اندیشه ها و عقاید گوناگون، اما مردم هویت ملی مشترکی دارند که در واقع، نشان گر وابستگی و تعلق خاطر آنان به سرزمین شان می باشد. همین امر باعث شده است تا مردم در صورت بروز تهدیدها و یورش های دشمن، به دفاع از مرزهای ملی خویش اقدام کنند. بر این اساس، ایرانیان

جدای از احساسات و باورهای قومی، با تکیه به ارزش‌های معنوی و ملی، همواره در برابر حمله‌های بیگانگان ایستادگی کرده‌اند.

درباره اثرگذاری عناصر هویتی بر عملکرد گروه‌های مردمی در جریان عملیات خوارزم و فرجام آن باید گفت که این نیروها با تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی و شاخص‌های ملی، نقش محوری خود را در راستای تحقق اهداف و آرمان‌هایشان، به‌منظور حفظ چارچوب سرزمینی کشور از هجوم دشمنان، ایفا کردند. سودمندی و کارایی هویت ملی در طول عملیات، در ایجاد نوعی احساس تعلق فرد به سرزمین و دولت متجلی شد که مجموعه عناصر شرکت‌یافته به‌واسطه آن، توانستند با ایستادگی و مقاومت، ارتفاعات راهبردی میمک را از دشمن باز پس بگیرند؛ ضمن آنکه گستردگی، شدت پاتک‌ها و نوع تهاجم ارتش عراق (از اواسط دی ماه تا اواسط بهمن ماه ۱۳۵۹) بیانگر روح پایداری و مقاومت در وجود ایرانیان بود. در این خصوص باید بیان کرد که مردم ایلام و به‌ویژه جمعیت عشایر آن، ضمن اعتقاد به سیاست دفاعی و با ایمان به اصالت نبرد علیه مهاجمی که برخلاف تمام موازین بین‌المللی و حقوق همسایگی به خاک کشور هجوم آورده بود، گرایش شدیدی به جنگاوری و دفاع در مقابل دشمن یافتند. بنابراین، جامعه ایرانی که به شدت از روحیه استکبارستیزی تأثیر پذیرفته بود، حضور بیگانگان را در ارتفاعات مرزی ایلام برنمی‌تابید. بدین ترتیب، عملیات خوارزم را می‌توان به‌مثابه نخستین اقدام نظامی و عملیات جنگی در دوره دفاع مقدس قلمداد کرد که تأثیر مولفه‌های هویتی همچون «اراده ملی» و «میهن‌دوستی» را بر اجرای استراتژی‌های جنگی و فرجام عملیات‌ها بیان می‌کند.

در بررسی تأثیر عناصر هویتی بر فرجام عملیات خوارزم، می‌توان به نکته‌ای از نظریه نظام اجتماعی «تالکوت پارسونز» توجه کرد که بر مبنای آن، نظام‌های اجتماعی کوچکی که در درون یک نظام اجتماعی بزرگ قرار دارند، می‌بایست نبود پیوستگی و پراکندگی خود را از میان ببرند تا با شکل‌گیری وحدت در حفظ حیات جامعه نقش مفیدی را ایفا نمایند (ساک‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۵). بدین ترتیب، در عملیات خوارزم تلاش‌های به‌کار گرفته شده از سوی گروه‌های مردمی و جامعه عشایری استان ایلام (نظام اجتماعی کوچک) برای وحدت رویه و انسجام کارکردی در خطوط مرزی، به دو شکل مبرهن است. نخست، ارسال کمک‌های اقتصادی مردم در جریان عملیات به جبهه که ضمن ارتقای سطح روحیه رزمندگان، عامل مؤثری در جهت رفع نیازمندی‌های نظامیان نیز به‌شمار می‌رفت. دوم، توانمندی فرهنگ ایلایاتی در شناخت موقعیت جغرافیایی است؛ برای

نمونه ایل خزل که سرزمین میمک را از قلمرو خود بر می شمرد، تمامی مواضع و اهداف ارتفاعات ذکر شده را مورد شناسایی قرار داد و با توجه به مقبولیت سازمان‌های نظامی، همچون ارتش در نزد آنها، اطلاعات حساس این ناحیه را به واحد فرماندهی می‌فرستادند و همینطور در کنار یگان‌های نظامی تمام تلاش خود را برای خروج بیگانگان از منطقه به کار می‌بستند. این پیوند و همکاری میان نظامیان و نیروهای مردمی در جنگ، تبلیغات پرهیاهوی رسانه‌های عراقی، مبنی بر داشتن «قوی‌ترین ارتش»، را خنثی می‌کرد؛ به‌طوری‌که سرافرازی و شجاعت ایرانیان در میمک و شکست ارتش مجهز عراق در این نقطه از خطه مرزی ایران، حتی برای هم‌پیمانان عراق اعجاب‌انگیز به نظر می‌رسید.

۳. گروه‌های ایلی و عشایری

جایگاه نیروی عشایر در عملیات خوارزم به‌دلیل تأکید بر مفهوم «عصیت قومی» حایز اهمیت است. این ویژگی با ابتدائی بر ارزش‌های سرزمینی و قومی، سهم بسیار مؤثری در فعال‌نمودن انگیزه دفاعی قبیله‌ها و عشیره‌ها در مقابل عراقی‌ها و تحولات مربوط به بازپس‌گیری ارتفاعات میمک داشت. به‌صورت کلی، واژه عصیت از ریشه تعصب و منسوب به عصبه است که منظور از آن، نزدیکیان و خویشاوندان پدری انسان می‌باشد که از حریم خانواده خویش دفاع می‌کنند. نیروی عصیت بی‌ارتباط با غیرت و تعصب درونی انسان‌ها نیست و هر یک به تناسب شدت و ماهیت خود موجب تقویت دیگری می‌شود (رادمنش، بی‌تا: ۱۹). عصیت به اجتماع، نیرویی شگفت‌انگیز می‌بخشد و باعث زدودن تفرق و تعدد می‌گردد و در آن، نوعی شدت و قوت متراکم وجود دارد؛ به‌طوری‌که هنگام بروز خطر و در اوضاع بحرانی عینیت می‌یابد و افراد جامعه را برای دفاع از موجودیت و حیثیت خویش تحریک، متهور و مقاوم می‌سازد. تردیدی نیست که همگونی عصیت، یکپارچگی جامعه و توان مقابله جمعی را با دشمنان به شدت افزایش می‌دهد و تحرک اجتماعی و تکاپوی فردی در صحنه نبرد را بالا می‌برد.

عصیت، مبتنی بر کلیه پیوندهای اجتماعی، آرمانی، دینی و خونی است و صفاتی همچون غیرت و حمیت، آزادگی، حمایت، فداکاری، دیانت، جوانمردی، دفاع از مظلوم در مقابل ظالم را شامل می‌گردد (آقاپور، ۱۳۸۴: ۱۳۹۶). ابن‌خلدون در تشریح و ارزیابی قدرت‌های قبیله‌ای بر این باور بود که اساساً همکاری و تعامل انسان‌ها از ویژگی‌های جامعه‌ای است که در آن عصیت به‌واسطه نوعی از پیوندهای حیات انسانی (خویشاوندی دور یا نزدیک) و یا آثار زندگی جمعی

(هم‌دینی یا هم‌مسلمی) حاصل می‌شود و لذا از دید او، کلیه مظاهر و احساسات مربوط به غرور ملی و نژادی را می‌توان نوعی عصبیت تلقی کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۷). از این رهگذر نظری، آشکال و انواع عصبیت‌های اجتماعی، هم در پیوندهای خونی و نژادی تجلی می‌یابد و هم آنکه می‌تواند از وحدت میان آرمان‌های ملی و عقاید مبتنی بر ارزش‌های دینی سرچشمه گیرد. در هر حال، خصوصیات برگرفته از عصبیت‌های دوگانه (ملی - قومی و دینی - معنوی)، مبتنی بر فطرت و سرشت انسانی نیز می‌باشد؛ چرا که انسان از آغاز تمدن تا به حال، همواره خواهان رفع خطر از نزدیکان خود و دفاع از آنان در برابر متجاوزان بوده است.

با ظهور انقلاب اسلامی، عصبیت‌های قومی در تحولات نظامی - سیاسی نمودی عینی پیدا کرد و پیوند و همبستگی‌هایی را با فرهنگ و هویت دینی، ایجاد کرد. بدین ترتیب، ایرانیان با این ترکیب از عناصر هویتی، در فرایند جنگ تحمیلی، به دفاع از بنیان‌های اصیل اجتماعی پرداختند و با تکیه به مشخصه‌هایی همانند شبکه‌های گسترده ایللالتی و یکپارچگی ناشی از انسجام ذاتی جمعیت عشایر، مسیر پیروزی را برای نیروهای خودی در جریان عملیات‌های نظامی هموار کرد.

با توجه به مطالب مورد اشاره درباره عصبیت قومی، باید ابراز کرد که در عملیات خوارزم، مرزنشینان استان ایلام در راستای پاسداری از ارزش‌های دینی و خصلت‌های قومی و همچنین حفظ هویت ملی، می‌کوشیدند تا به‌منظور بازستاندن سرزمین دیرینه‌شان از کنترل دشمن، بنیه دفاعی خویش را تقویت نمایند. در همین رابطه، عشایر ایلام از آغازین روزهای تهاجم ارتش عراق به مرزهای غربی ایران و تصرف قلمرو استراتژیک میمک، آمادگی خود را برای مقابله با بیگانگان اعلام کردند. بنابراین، با حضور فعال در مناطق عملیاتی و همکاری با واحد فرماندهی ارتش و یگان‌های تابعه آن، نقش ارزشمندی را در شکل‌گیری فرجام عملیات ایفا کردند.

در جریان این عملیات، ایل خزل در کنار نیروهای نظامی و سایر عشایر همچون ملکشاهی، ارکوازی و چمن بولی در مناطق مرزی ایلام، با هجوم به مواضع اشغال‌شده، به دفاع از میهن و سرزمین خود در برابر دشمن پرداختند. به‌طور مشخص، کارویژه دفاعی نیروهای عشایر در عملیات خوارزم بدین گونه بود که آنان با ایمان و قدرت ابتکار خود به شناسایی‌های دقیق از وضعیت زمین و کشف استعداد نظامی دشمن، دست می‌زدند تا افزون بر تعیین نقاط ضعف ارتش عراق، طرح‌های عملیاتی غیرکلاسیک را نیز، در میدان نبرد با بعضی‌ها به مرحله اجرا درآورند. بنابراین، جمعیت عشایری ایلام به‌رغم فقدان نیروهای آموزش‌دیده و ابتدایی‌ترین امکانات جنگی،

با استفاده از عصبیت قومی و روحیه ملی خویش، توانستند مسئولانه از موطن خویش پاسداری و به صحنه عملیات ورود کنند.

۴. کارکرد و آثار سرمایه اجتماعی

بی‌گمان، اجرای موفقیت‌آمیز عملیات خوارزم و فتح ارتفاعات میمک که با سازمان‌دهی مناسب یگان‌های رزمی و پشتیبانی جنگ از سوی گروه‌های مردمی رخ داد، دارای کارکردهای مثبت اجتماعی است. با شروع جنگ تحمیلی، ارتش به‌عنوان تنها سازمان منضبط نظامی، با تدارک برنامه‌های آموزشی برای غیرنظامیان (عشایر و سایر نیروهای مردمی) در تلاش بود تا ضمن بهره‌برداری از توانمندی‌های آنان، از ظرفیت‌های اجتماعی خود نیز در جهت تحقق اهداف عملیاتی استفاده کند. از این‌رو، افسران مجرب تیپ یکم لشکر ۸۱ زرهی، با ارائه برنامه‌های آموزشی و تعلیمات نظامی به عشایر بومی، موقعیت مناسبی را در جهت کسب پیروزی در عملیات خوارزم فراهم آوردند. افزون بر این، سازمان ارتش با به‌کار بستن شاخص‌های اجتماعی نظیر روحیه کار جمعی و فعالیت گروهی در تشکیلات نظامی خود، موفق شد از جایگاه مناسبی در میان توده‌های مردمی برخوردار شود و از سویی، با جلب اعتماد اجتماعی توانست آنان را همراه با نیروهای نظامی وارد منطقه عملیاتی میمک کند؛ بی‌آنکه لطمه‌ای به انسجام نظامی و همبستگی میان گروه‌های رزمنده وارد آید. اتخاذ این تدبیر اجتماعی توسط سازمانی نظامی، موجب گرایش اقشار جامعه به دفاع عمومی و حتی افزایش روحیه تهاجمی آنها در مقابله با نیروهای خارجی گردید که همین اصل، عامل بزرگی در اجرای پیروزی‌آفرین استراتژی خوارزم به شمار می‌رود. بنابراین، در ارزیابی اقدامات ایرانیان در ارتفاعات میمک، حضور طبقات مختلف جامعه و مشارکت انبوه مردمی در عملیات خوارزم که در اصطلاح علم جامعه‌شناسی به «سرمایه اجتماعی» موسوم است، زمینه‌ساز ظهور کارکردها و آثار مثبتی شد که دامنه آن در فرجام سایر عملیات‌های رخ داده در دوره جنگ تحمیلی تعیین‌کننده گردید.

الف) همبستگی اجتماعی: از دید جامعه‌شناختی، برای کسب موفقیت در عملیات‌های جنگی، ضروری است تا رزمندگان با حفظ روحیه همکاری، انسجام پایدار و همبستگی عمومی میان خویش را برقرار سازند؛ در غیر این صورت هر عملیات نظامی محتوم به شکست است. بر این اساس، ورود گروه‌های مردمی و اقشار اجتماعی همچون عشایر به عرصه جنگ می‌تواند همبستگی اجتماعی را خلق نماید. این مسئله از احساس مسئولیت مشترک آنها و بر اساس

فعالیت‌ها و تجربه‌هایی که در طول زندگی‌شان به‌دست آورده‌اند، تأثیر می‌پذیرد.

همبستگی اجتماعی در جریان عملیات‌های جنگی، کارویژه‌ای است از سوی نظامیان و غیرنظامیان که به‌منظور نیل به اهداف ملی انجام می‌گردد. به عبارت دیگر، همبستگی اجتماعی عبارت است از حضور افرادی با پایگاه‌های اجتماعی گوناگون (قومی، زبانی و مذهبی) در جبهه‌ها که کارایی، مقاومت و ایستادگی کشور را در مقابل فشارهای خارجی ارتقا می‌دهد. بدین ترتیب، می‌توان بیان کرد که با مشارکت جامعه ایرانی و برقراری همبستگی آن در جریان عملیات خوارزم، فضایی در جبهه شکل گرفت که متأثر از آن، تلاش‌های رزمندگان به سمت هدفی معین معطوف شد. لذا، تعدد عناصر عملیاتی در میمک، افزون بر آنکه ضرورت اتحاد و هماهنگی در میان واحدهای نظامی و نیروهای اجتماعی را آشکار ساخت، منجر به تقویت توان رزمی و تفوق رزمندگان ایرانی در مواضع اشغالی میمک نیز گردید.

رویارویی رزمندگان خودی با عراقی‌ها در میمک، منافع و حس مشترکی در ذهن همه ایرانیان به وجود آورد که این امر، تأثیر به‌سزایی را در ایجاد وفاق جمعی برجای نهاد؛ به صورتی که مسئله و مفهوم «پیکار در برابر بیگانگان» به ظهور اتحادی گسترده از نیروهای رزمنده منتهی شد که رسالت همه آنان را در مبارزه با دشمن تا عقب‌نشینی‌اش از بلندی‌های میمک، تعریف می‌کرد. بدین ترتیب، همبستگی اجتماعی و یکی شدن ایرانیان که شامل سپاه، بسیج عمومی، عشایر، ژاندارمری و جهاد سازندگی به محوریت نیروی زمینی ارتش بود، توانست با تأکید بر مؤلفه «روحیه ملی» و تأثیر آن بر کیفیت رفتار جنگی نظامیان، در بازپس‌گیری این بخش راهبردی از سرزمین ایران کارساز شود. دامنه اثر عامل یاد شده، تنها به جبهه خودی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده آن در میان ارتش عراق قابل مشاهده است. در واقع، ارتش این کشور در ماه‌های اوّل با پیشروی به سوی غرب ایران و تصرف بلندی‌های میمک، در موضع تهاجمی قرار گرفت که این موضوع روحیه رزمی‌شان را بالا می‌برد. با این حال، پس از عملیات خوارزم و آگاهی یافتن نیروهای عراقی از همیاری گسترده ایرانیان که بر اثر اتحاد و همبستگی ایجاد شده بود، انگیزه آنان تضعیف شد؛ تا جایی که با سنگرگیری در مواضع دفاعی خود (در وضعیت سخت زمستان) به تدریج احساس هدفمندی خود را برای تداوم نبرد از دست دادند. بازخورد این مسئله، یعنی نبود همبستگی در میان عراقی‌ها، را می‌توان در مواردی همانند فرار سربازان و افزایش تعداد اسیران عراقی مشاهده کرد.

ب) اعتماد اجتماعی: یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل موفقیت‌زای ایرانیان در عملیات خوارزم، مبحث اعتماد اجتماعی است که وجود آن به افزایش روحیه رزمندگی نیروها و انگیزه آنان برای جنگیدن انجامید. اعتماد به عنوان یک واقعیت اجتماعی نظام‌مند، عامل اصلی برقراری پیوند میان انسان‌ها و مهم‌ترین نقش را در میان آحاد جامعه و روابط متقابل میان آنان دارد. این اصل، وضعیت بشر را با محیط طبیعی و شرایط انسانی سازگاری می‌دهد و رشد و گذار اجتماعی را برای آنان فراهم می‌سازد. فرایند رشد و توسعه اعتماد اجتماعی در عملیات‌های جنگی، به دلیل امکان-پذیر شدن همیاری افراد با یکدیگر، نوعی احساس تعلق اشتراکی یا گروهی را نیز فراهم می‌آورد. از این رهگذر، وجود اعتماد بین فردی در میمک، نشان‌دهنده میزان باور رزمندگان به نهادهای نظامی و اطمینان به مراکز اصلی تصمیم‌گیر است. بدین ترتیب، اعتماد به مثابه مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی، عاملی اساسی در جهت اجرای عملیات خوارزم و پیشبرد دکترین نظامی آن، تلقی می‌گردید؛ تا جایی که کسب پیروزی برای هر کدام از طرفین جبهه، به برخورداری آنها از مقبولیت اجتماعی و سطحی از اعتماد عمومی بستگی داشت.

اعتماد رزمندگان به همدیگر، شبکه‌ای پایدار از روابط نهادینه‌شده میان افراد را ایجاد کرد که به دلیل احساس تعلق فرد به گروه و پیوند او با سایر اعضا (به دلیل اشتراک در ارزش‌ها، باورها و منافع) همگی خود را وابسته به همدیگر می‌دانستند. از این‌رو، در بررسی کارکردهای اجتماعی عملیات خوارزم، اعتماد از عوامل اصلی در توازن قوا در صحنه نبرد به‌شمار می‌رود. به عبارتی این مؤلفه، به دلیل امکان تطبیق افراد با محیط نظامی و موقعیت طبیعی ناهموار، بستری ایجاد کرده بود که ارتش مجهز و پرشمار عراق، مغلوب نیروهای ایرانی شوند؛ در حالی که رزمندگان خودی از لحاظ شمار نیروی انسانی و امکانات مناسب جنگ‌افزاری محروم بودند. در واقع، اعتماد افراد و گروه‌های اجتماعی به فرماندهان نظامی، موجب شد تا در راستای برآورده شدن انتظارات سازمان، افراد در کنار یکدیگر نگه داشته شوند و امکان آزادسازی اهداف اشغال‌شده به وسیله دولت عراق فراهم گردد. همین امر موجب شد تا مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی نوعی از استراتژی را به مرحله اجرا در آورند که بر مبنای آن، در ابتدا می‌بایست اعتماد نیروهای بومی در استان ایلام جلب و سپس به مبارزه با دشمن در ارتفاعات مرزی میمک پرداخته شود؛ در غیر این صورت از دید آنان، استفاده نکردن از این نیروها بسیار سودمندتر از به‌کارگیری‌شان در عملیات‌های نظامی است. بر اساس داده‌ها و اطلاعات به‌دست آمده در طول عملیات، می‌توان اظهار کرد که سنجش میزان

اعتماد اجتماعی در این منطقه با ارزیابی ویژگی‌ها و رفتارهای فردی ممکن می‌شود که مطابق با این رویکرد، اعتماد رزمندگان مردمی به فرماندهان نظامی، از انطباق شخصیت و گرایش‌های فردی آنان با محیط اطرافشان سرچشمه می‌گیرد. ارتقای سطح اطمینان و امیدواری مردم ایلام درخصوص اجرای عملیات خوارزم، به دلایلی همچون تعلق خاطر افراد به گروه و داشتن حس مسئولیت‌پذیری در آن، نیروهای دشمن را در مواضع اشغالی نامتعادل کرد. از همین روی، اعتماد در میدان رزم علاوه بر افزایش قوت قلب و میل به همکاری در میان لشکریان و رزمندگان، پیکره دفاعی ایران را مستحکم نمود تا نفوذناپذیری آن در مقابل نیروهای دشمن حفظ گردد.

مقوله اعتماد اجتماعی با مقبولیت‌دهی و مشروعیت‌بخشیدن به تصمیمات گرفته شده از سوی واحد فرماندهی، به منظور آزادسازی مناطق تصرف شده، به پشتیبانی مردم از نظام‌های سیاسی نیز منجر شد. بنابراین، مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی برای به ثمر نشستن راهبرد عملیاتی‌شان در میمک به این واقعیت پی برده بودند که بدون اعتماد عمومی، هیچ گُنش تعیین‌کننده و فرجام موفقیت‌آمیزی در میدان نبرد صورت نمی‌گیرد. بدین منظور، این افراد با تأکید بر کارکردهای اعتماد، نظیر آرامش و امنیت روانی که از مشخصه‌های اصلی در روابط میان افرادند، میان عواملی همچون آرمان‌های ملی، فرهنگ قومی و ارزش‌های دینی، پیوندی عمیق برقرار کردند تا از این طریق، بتوانند زمینه ناکامی ارتش عراق را در همان ابتدای جنگ فراهم آورند.

اعتماد مردم ایلام به خرده‌نظام‌های سیاسی و فرهنگی و انتقال مفاهیم ارزشی نظیر ایثار، مقاومت و دفاع به منطقه عملیاتی میمک، دستور مقاومت در مقابل مهاجم را از سوی این خرده-نظام‌ها صادر نمود. به همین دلیل بود که به موازات دستور مبارزه از سوی متصدیان اجرایی کشور، مردم به طور گسترده در جبهه‌ها شرکت یافتند و با وجود اوضاع نامنظم و آشفته کشور در آغاز جنگ، به صورتی یکپارچه و متحد در برابر دشمن، سرسختانه مقاومت کردند. از سویی، ظرفیت ارتش جمهوری اسلامی در همراه کردن جامعه با خود، باعث شد که با وجود درخواست انحلال ارتش از سوی بعضی از گروه‌های سیاسی، حضرت امام (ره) با اطمینان به مجموعه کارکنان ارتش، نه تنها این سازمان بزرگ را برنچیند، بلکه این نهاد نظامی را «ارتش الهی» بنامد و از آنان خواست وفاداری خود را نسبت به ملت اعلام نمایند و در مقابل از مردم هم درخواست نمودند که پشتیبانی خویش را از این ارتش ابراز کنند (خیمینی^(۵)، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ۴۳۳). از این رو، تلاش بیناگذار انقلاب در ایجاد اعتماد دوسویه میان ارتش و مردم در سال اول جنگ به ثمر نشست؛ به طوری که

همین عامل، نقش مهمی در جهت آزادسازی ارتفاعات میمک، ایفا کرد.

حضور نیروهای مردمی و به‌ویژه جمعیت عشایر استان ایلام در عملیات خوارزم، علاوه بر آثار و کارکردهای دوگانه ذکرشده، مروج موضوع مسئولیت اجتماعی در میان رزمندگان (نظامیان و غیرنظامیان) نیز گردید. بر این اساس، آنان با تعهد به تحقق اهداف ملی و سرزمینی، مسئولیت اساسی خود را در جهت حفظ تمامیت ارضی کشور و بیرون‌راندن بیگانگان از چارچوب مرزی، تعریف می‌کردند. از این منظر، مسئولیت اجتماعی، چارچوبی برای پیشبرد منافع ملی در صحنه‌های عملیاتی می‌باشد که به معنای انجام اقشار متکثر جامعه برای جلوگیری از پیشروی دشمن است. در واقع، در خلال تلاش‌هایی که نیروهای ایرانی برای اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی خوارزم انجام دادند، باید گفت که القای حس مسئولیت‌پذیری در میان آنان باعث شد تا تعادل مناسبی بین جامعه و جبهه برقرار شود؛ به این معنا که مردم استان ایلام، مخصوصاً نیروهای عشایر آن، به وظایف خود در قبال میهن و قلمروشان واقف شدند و در این زمینه، نقش و مسئولیت خود را پذیرفته بودند.

دستاوردها

تبیین دستاوردهای عملیات خوارزم تمهیدات لازم را برای شناخت اصولی عملیات آماده می‌کند؛ به گونه‌ای که با مرتفع‌نمودن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت، امکان نفوذ معیارها و ارزش‌های محوری در این عملیات (اتحاد اجتماعی، اعتماد عمومی به ساختار رسمی و لزوم قاعده سلسله مراتبی) در درون نهادهای اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد و به همان اندازه نیز، جامعه با هم‌افزایی و همسویی در جهت اهداف نهادهای رسمی، قابلیت پذیرش مناسبات حاکم را پیدا می‌کند. این سنخ از رفتارهای اجتماعی که در منطقه عملیاتی میمک مشاهده می‌شود، موجب شده است تا گروهی از پژوهشگران علوم اجتماعی، مبحث نظامی‌گری را به‌عنوان رفتار و روشی از علم جامعه‌شناسی به کار گیرند. از این‌رو، می‌توان بیان کرد که با ارزیابی شرایط جامعه و تأثیر شئون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بر فرجام جنگ، نتایج حاصل از اجرای عملیات میمک قابل بررسی است.

پس از چند ماه از آغاز جنگ تحمیلی، نظام جمهوری اسلامی ایران با وجود کاهش توانمندی‌های نظامی و ضعف در استعداد قوای مسلح، توانست با تأکید بر عامل سرمایه اجتماعی برتری خود را در میدان نبرد نشان دهد. در سطح راهبردی، ارتش ایران در عملیات خوارزم موفق شد ضمن سدسازی در مقابل پیشروی دشمن، در برابر یورش عراق مقاومت کند و پیروزی‌هایی را در

آن ناحیه به دست آورد. چنانکه اشاره شد ساختار نیروهای مسلح به شدت آسیب دیده بود، با این حال، نقش عامل بالا، به‌ویژه کمک نیروهای مردمی در خطوط مرزی استان ایلام، بستری را فراهم کرد تا رزمندگان ایرانی با اجرای عملیاتی آفندی (به‌رغم کمبودهای تسلیحاتی و محدودیت‌های تجهیزاتی)، نیروهای دشمن را از مناطق اشغالی به پشت مرزهای بین‌المللی عقب برانند.

با وجود کاهش توان جنگی نیروهای خودی نسبت به قدرت رزمی قوای دشمن، ولی تدبیر مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی در طرح‌ریزی عملیات و اتخاذ روش صحیح از سوی آنان به‌منظور شکل‌گیری بسیج مردمی و همچنین هدایت یگان‌ها، به تضعیف روحیه ارتش بعثی در میمک و خشی‌سازی تبلیغات صدام حسین منتهی شد. در واقع، توقف نیروهای عراقی در این منطقه و عقب‌راندن آنان به سوی خطوط مرزی که با همراهی گروه‌های اجتماعی درکنار یگان‌های نظامی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش امکان‌پذیر شد، سرآغاز نتایج عینی و دستاوردهای گسترده‌ای برای کشور شد. این دستاوردهای ارزشمند، در حالی توسط تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، به‌عنوان مسئول اجرای عملیات خوارزم، به دست آمد که بنا بر ارائه گزارش وزارت خارجه ایالات متحده، ارتش ایران تنها یک مفهوم است تا واقعیت که قادر نیست یک عملیات منسجم و اساسی را برای دفاع از کشور رهبری کند. اطلاعات ذکر شده به دولت عراق این نوید را می‌داد که در این مقطع زمانی می‌تواند به اهداف سیاسی و امنیتی خود جامعه واقعیت بپوشاند. بر همین اساس، کارگزاران سیاست خارجی عراق از جمله طارق عزیز، معتقد بودند ارتش ایران کاملاً دچار اضمحلال شده است که در شرایط بحرانی قادر به دفاع از خود نیست (غلام‌پور، ۱۳۹۳: ۸۲؛ طارق، ۱۳۵۹: ۲۸). با این حال، نیروی زمینی ارتش ایران با برعهده‌گرفتن مأموریت آزادسازی میمک و انتقال این مسئولیت به تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی، توانست استراتژی عملیاتی خوارزم را به بهترین گونه اجرا و نتایج به‌دست آمده از این عملیات را به تمامی واحدهای نظامی در سایر مناطق عملیاتی برساند تا بدین گونه با تمرکز نفرات و تجهیزات در نقاط جنگی، نحوه درگیری و فعالیت تمامی اجزا به طور همزمان، کنترل و هدایت شود. به‌طور مشخص، ایجاد یک سیستم ارتباطاتی قدرتمند در میان عناصر نظامی و اجتماعی میمک (گروه‌های نظامی و غیرنظامی)، از دستاوردهای عمده در جریان عملیات خوارزم محسوب می‌شود که امکان صدور فرمان‌ها و اجرای آنها را از ستادهای فرماندهی به واحدهای عملیاتی، در زمان کوتاهی، فراهم می‌کرد که همین موضوع، موجب رسوخ وحشت در پیکره یگان‌های عراقی شد. این دستاورد، علاوه بر آنکه تلفات سنگینی

به تجهیزات دشمن وارد کرد، میزان تلفات را برای نیروهای خودی تا سطح حداقلی نگه می‌داشت. از آنجا که اشغال ارتفاعات میمک، از سوی قدرتهای جهانی و ممالک واپس‌گرای عرب‌زبان مورد تشویق قرار گرفته بود، این امیدواری در صدام حسین پدید آمد که با گسترش تصرفات مرزی و به دنبال آن تهاجم فراگیر علیه ایران، حکومت انقلابی آن به زانو درخواهد آمد. عملیات خوارزم به‌عنوان اولین اقدام موفقیت‌آمیز ایران در یکی از حساس‌ترین مناطق عملیاتی، تأثیرات روانی فوق‌العاده‌ای در هشت سال دفاع مقدس برجای گذاشت. با آنکه حکومت عراق، ضمن طرح ادعای مالکیت منطقه میمک، با توسل به اهرم نظامی آن را اشغال کرد، ولی توفیق نیروهای ایرانی در اجرای عملیات مزبور، شکستی نظامی، سیاسی و روانی را برای حکومت و ارتش عراق رقم زد. از این‌رو، عراقی‌ها که شاهد افزایش روحیه رزمندگان ایرانی در مناطق مرزی غرب کشور بودند، با ارائه نوعی شیوه سیاسی (مراجعه به مجامع منطقه‌ای و جهانی) درصدد برآمدند تا جنگ را از طریق دیپلماسی پایان دهند. اما نظام سیاسی ایران بررسی و توجه به پیشنهادهای مذاکراتی را مشروط به تخلیه کامل ارتش عراق از خاک ایران کرده بود. صدام حسین که تصرف ارتفاعات میمک را از اقدامات راهبردی خود در آغاز جنگ با ایران می‌دانست، تلاش ایرانیان مبنی بر فتح این ارتفاعات را به دلیل موقعیت نسبی آن (کمترین مسافت با بغداد) تهدیدی جدی برای دولت عراق قلمداد می‌کرد. از این منظر، دستاوردهای عملیات خوارزم را می‌توان با توجه به میزان اهمیت بلندی‌های میمک در نزد مسئولان حکومت عراق بیان کرد؛ چرا که از دید آنان بازستاندن این منطقه از سوی ایران می‌توانست ضربه‌های جبران‌ناپذیری را به سیاست‌های دفاعی و راهبردهای امنیتی عراق وارد کند.

با متوقف‌ساختن پانک‌های دشمن در میمک و مبادرت آن به سوی روش پدافندی، موفقیت‌های کسب‌شده در عملیات خوارزم ابعاد گسترده‌ای یافت؛ به‌صورتی که با توفیق رزمندگان ایرانی، دولت عراق (به‌رغم قدرت‌نمایی سیاسی و ادعای برتری نظامی در خاورمیانه) برای مدتی از تحمیل خواسته‌های سیاسی خود بر ایران عقب‌نشینی کرد. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر این موضوع، موفق شد تا با نمایش اقتدار نظامی خویش که دستاورد اتحاد در میان عناصر عملیاتی و مشارکت شگفت‌آور گروه‌های اجتماعی بود، عراق را برای مدتی از چشم طمع دوختن به ارتفاعات مرزی ایلام دور نگه دارد. این اصل که در روابط بین‌الملل و همچنین علوم نظامی به «وحشت بازدارنده» موسوم است، به‌عنوان رمز پیروزی واحدهای نظامی در جنگ‌ها شناخته می‌شود.

درباره نتایج به دست آمده در ابعاد نظامی، علاوه بر میزان خسارت‌های وارد شده به ارتش عراق و برجای ماندن حجم گسترده غنائم دشمن، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که نمایانگر دقت نظر فرماندهان و رزمندگان ایرانی در به‌کارگیری اصول جنگ و به‌طور مشخص طرح‌ریزی و اجرای عملیات است:

- به‌کارگیری اصول جنگ و احراز آمادگی روحی- روانی یگان‌های خودی جهت اجرای عملیات‌های آفندی بعدی.
- کسب تجربه‌های نظامی توسط نیروهای مردمی و آمادگی آنان جهت شرکت در عملیات- های آفندی و پدافندی مختلف.
- استفاده از توانایی‌های نیروهای بومی منطقه (عشایر ایل خزل)، به‌ویژه در شناسایی کامل از وضعیت زمین و استعدادهای دشمن.
- حفظ هوشیاری و قابلیت انعطاف نیروهای خودی در کلیه مراحل عملیات و انجام واکنش‌های مناسب و به‌موقع در برابر تحرکات تاکتیکی ارتش عراق.
- اقدامات واحد فرماندهی در عملیات به دلیل ظرفیت آن در وحدت‌بخشیدن به نیروها را نیز می‌توان به‌عنوان یکی از دستاوردهای نظامی تلقی نمود که نقش به‌سزایی را در پیروزی ایرانیان ایفا کرد؛ ضمن آنکه شخصیت‌های تعیین‌کننده و فرهمند با رهبری صحیح و هدایت همه‌جانبه و بهره‌گیری از توان نیروهای مردمی در جبهه موفق شدند زمینه عقب- نشینی ارتش عراق را فراهم کنند و مواضع پدافندی ایران را در منطقه میمک تثبیت نمایند (رستمی، ۱۴۰۱: ۱۶۵).

با توجه به موارد یاد شده، ایران در این عملیات منطقه‌ای را به وسعت حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع در غرب دشت لیک‌بین، رودخانه تلخاب در شمال و رودخانه خوش در جنوب را از اشغال نیروهای دشمن آزاد کرد. این اقدام پیروزمندانه از منظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، نتایجی را هم برای نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه مدیریت جنگی ایجاد کرد؛ به‌گونه‌ای که باید گفت با آزادسازی میمک، نیروهای خودی از دید و میدان تیر وسیعی برخوردار شدند که همین امر بر قدرت آنان در کنترل محورهای مهم و معابر وصولی عراق «مندلی - دوشیخ - ترساق - زرباطیه» افزود و سرانجام سبب نفوذ امنیتی در عمق خاک این کشور گردید. اقدام پیروزی‌آفرین ایران در میمک که از منظر صدام حسین شکستی فاحش در عرصه سیاست خارجی برای وی محسوب

می‌شد، او را به واکنش واداشت تا برای جبران موقعیت ازدست‌رفته‌اش در این ناحیه حساس، با استعداد و توانایی بیشتری وارد عمل شود؛ ولی راهبرد هوشمندانه فرماندهان ایران، مقاومت نیروهای مردمی و ایستادگی عشایر و عملکرد تحسین برانگیز هوانیروز، تلاش‌های دولت بغداد را به شکستی تلخ‌تر تبدیل کرد؛ تا جایی که قله‌های ارتفاعات میمک در میانه‌های بهمن ماه ۱۳۵۹، تثبیت شد (همان، ۱۶۶). افزون بر این، عملیات خوارزم از دید جامعه‌شناختی نیز منشأ اقتدار و قدرت فراوانی برای حکومت پساانقلابی ایران گردید. برای نمونه، اقدام فاتحانه ایران به دولت و ارتش عراق ثابت نمود که نظام اجتماعی ایران به‌رغم وجود مشکلات گسترده در حوزه نظامی-گری (قلت آماری و کمبود تجهیزاتی)، به قوای اشغال‌گرا اجازه حضور مستمر در مناطق متصرفی را نمی‌دهند و لذا برای حفظ استقلال سیاسی و افزایش امنیت سرزمین‌شان حاضرند در هر وضعیتی از میهن خویش دفاع کنند. این ویژگی مهم، در ادامه موجب انسجام نیروهای نظامی در سایر مناطق عملیاتی گردید. بر همین اساس، با پیوند گروه‌های اجتماعی و نیروهای نظامی در عرصه جنگ، نیروهای ایثارگر و رزمنده‌ای پرورش یافتند که با اراده جمعی قادر بودند یگان‌های مجهز و پرشمار ارتش عراق را به زوال و نابودی بکشانند.

نتیجه‌گیری

آزادسازی بلندی‌های میمک، ضمن به غنیمت‌گرفتن غنائم و تجهیزات جنگی، باعث ایجاد وحشت در میان نیروهای دشمن نیز گردید؛ زیرا آنان انتظار ایستادگی ایرانیان در مقابل هجوم همه‌جانبه خود را نداشتند. با وجود استقرار ارتش عراق در ارتفاعات یاد شده و اجرای پاتک‌های سنگین و مستمر علیه مواضع ایران، اما ابتکار عمل و خلاقیت فرماندهان نظامی کشور، توانست اراده رزمندگان ایرانی را بر افراد دشمن تحمیل کند. از آنجا که واحد نیروی زمینی ارتش به‌صورت مستقیم، فرماندهی عملیات خوارزم را بر عهده داشت، می‌توان استراتژی پی‌ریزی‌شده به‌وسیله این سازمان را گامی اساسی در جهت بازپس‌گیری میمک تلقی نمود. با این حال، آنچه به‌عنوان رمز پیروزی در این عملیات به حساب می‌آید، تأکید مسئولان لشکری و کشوری بر شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تلاش آنان در جهت افزایش مشارکت نظامی مردم در جبهه بود. همگرایی اجتماعی در مناطق عملیاتی و مقاومت گسترده مردم در کنار نظامیان، عرصه رویارویی در مقابل دشمن را تکمیل کرد که در این میان، سهم بالای عشایر استان ایلام و به‌ویژه ایل خزل حایز

اهمیت است. اعضای این دسته اجتماعی با حفظ عصیت قومی و تعلق خاطر به سرزمین دیرینه خویش، به سطحی از سلحشوری دست یافتند که به طور مشخص، با ایستادگی در برابر حمله‌های مداوم عراق و تلاش فراوان به منظور عقب‌نشینی بیگانگان از قلمروشان، نقش بی‌بدیلی را در حفظ تمامیت ارضی کشور ایفا نمودند.

پیوند سرمایه اجتماعی و نیروی نظامی و حضور اقشار گسترده جامعه در نقاط مرزی ایلام با هدف عقب‌راندن عراقی‌ها از ناحیه میمک، دستاوردهای فراوانی را از لحاظ راهبردی، برای ایران به ارمغان آورد؛ چرا که ضمن بازپس‌گیری این ارتفاعات استراتژیک و الصاق آن به جغرافیای کشور، این پیام را نیز به رژیم صدام حسین منتقل کرد که با وجود اعمال فشارهای سیاسی، تحریم‌های اقتصادی و همچنین محرومیت‌های وضع شده برای نیروهای مسلح، اما با استفاده از بسترهای اجتماعی لازم در راستای بسیج توده‌ها، اقتدار فوق‌العاده و سرمایه شگفت‌انگیزی به دست می‌آید که تمام معیارها و اصول پذیرفته‌شده در سطح امور نظامی را درهم می‌نوردد.

منابع

- آقاپور، سید مهدی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی دفاع مقدس و نیروهای ایثارگر، تهران: عباد.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزیان، امید (۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی، تهران: یار دانش.
- بساطی، سعید (۱۳۷۸). حماسه میمک، تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نی.
- بهروزی، فرهاد (۱۳۸۴). تقویم تاریخ دفاع مقدس؛ آخرین روزهای صلح، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹). نقش عراق در شروع جنگ همراه با بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث، تهران: باز.
- توسکی، یار محمد و توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). بررسی بنیان‌های سرمایه اجتماعی با تکیه بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان شهر اراک ۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی، ۴، ۳۰ - ۱۳.
- خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه نور، ج ۱۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رادمش، عزت‌الله (بی‌تا)، کلیات عقاید ابن خلدون، تهران: قلم.
- رستمی، سجاد (۱۴۰۱). جنگ تحمیلی و دفاع مقدس در ارتفاعات میمک، کرمانشاه: مرصاد (اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه).
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۷). تئوری‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهش‌نامه، ۵ (۱۷)، ۵۲ - ۳۰.
- ساکی‌زاده، محمد (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر موفقیت‌های ایران در جنگ با عراق، مدیریت نظامی، ۷ (۲۸)، ۴۰ - ۲۶.
- عزیز، طارق (۱۳۵۹). روابط ایران و عراق، ترجمه: نعمت‌الله یاقوتی‌پور، تهران: وزارت ارشاد.
- غلامپور، احمد (۱۳۹۳)، بررسی زمینه‌ها و عوامل تهاجم نظامی عراق علیه ایران، تهران: موزه دفاع مقدس.
- فرشادگهر، ناصر و آصفی، حمدالله (۱۳۳۸). فسخ یک جانبه عهدنامه ۱۹۷۵ از سوی عراق و موضع هر یک از دو طرف عهدنامه، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷). تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ج ۲، تهران: عروج.
- کسرای، محمدسالار و موسوی، سید رحیم (۱۳۹۲). انقلاب و جنگ ایران و عراق، پژوهشنامه متین، ۱۵ (۵۸)، ۹۳ - ۱۱۴.
- کینگ، رالف و افرایم کارش (۱۳۸۷). جنگ ایران - عراق؛ پیامدهای سیاسی و تحلیل نظامی، ترجمه سید سعادت حسینی دماهی، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

گروهی از نویسندگان (۱۳۷۳). روزشمار جنگ ایران و عراق؛ هویزه، آخرین گام‌های اشغالگر (زمین گیر شدن و توقف کامل دشمن)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. محسنی تبریزی، علیرضا، سعید معیدفر و گلابی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه، جامعه شناسی کاربردی، ۱۱(۴۱)، ۷۰ - ۴۱.

Bourdieu, Pierre (1977) Outline of a Theory of Practice, Cambridge: Cambridge University Press.

Due Lake, R. Huckfldt. R (1998), Social Capital, Social, and political Participthion, Political Psychology, 19 (3).

Trigilia, C (2001) Social Capital and local Development, European Journal of Social Theori. 4 (4).